

حالات

پایه اصلی برای پیشرفت

● گفت و گو با آقای مهندس عباس حسینی - مدیر عامل شرکت نرم افزاری امن پرداز



شرکت نرم افزاری امن پرداز یکی از زیر مجموعه های مرکز رشد دانشگاه شهید بهشتی است که در زمینه نرم افزار و امنیت اطلاعات به فعالیت می پردازد. یکی از محصولات این شرکت «میز کار امن پرداز» (مکاپ) است که نقش مهمی در مکانیزه کردن خدمات شبکه های رایانه ای دارد. هم اکنون از این نرم افزار در مراکز مهم دولتی از جمله سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و شرکت نفت بهران استفاده می شود.

مهندس عباس حسینی مدیر عامل شرکت نرم افزار امن پرداز متولد سال ۱۳۵۶ و فارغ التحصیل رشته نرم افزار از دانشگاه آزاد است. در سال ۱۳۷۷ ابتدا به عنوان کار آموز به مرکز خدمات ماشینی وقت دانشگاه شهید بهشتی مراجعه نموده و در آنجا مشغول به کار شد. پس از گذشت حدود ۲ سال مسئولیت شبکه دانشگاه شهید بهشتی را به عهده گرفت. وی همکاری خود بعنوان کارمند را با دانشگاه تا سال ۱۳۸۲ ادامه داد و از این تاریخ تا اواخر سال ۸۳ بصورت پیمانکار و در غالب شرکت خصوصی (پارس آی تی نت) تازه تاسیسش، نگهداری شبکه دانشگاه را برعهده داشته و بعد از اتمام این پروژه، شرکت نرم افزاری امن پرداز را با همکاری چند تن از دانشجویان کامپیوتر این دانشگاه راه اندازی نمود. ایشان راز موفقیت خود را نوآوری، خلاقیت، پشتکار و توکل به خدا می داند.

خوبی در شرکت قبلی کسب کردم و در آغاز کار در امن پرداز اطلاع نسبتاً کاملی از مسائل مدیریت شرکت داشتم که یکی از مهمترین دلایل موفقیت ما محسوب میگردد. این تجربه باعث شد تا شرکت به سرعت موفق به شناساندن خود در بازار شده و بتواند درصدی از سهام خود را به یک شرکت بزرگتر و همکار بفروشد که در نوع خود یک موفقیت مهم برای ما محسوب می شد.

■ به خاطر توانمندی شما این سهام خریداری شد؟

بله از راههای مختلف با شرکت و محصولات آن آشنا شدند و خود پیشنهاد خرید سهام را ارائه دادند.

■ در صورت نبود این فرصت (در دانشگاه) با توجه به توانمندی که در این زمینه دارید، باز هم فعالیت خود را ادامه می دادید؟

سال ۱۳۸۰ تصمیم گرفتم به طور رسمی از دانشگاه استعفا دهم و برای خود کار کنم در آن زمان ایده تاسیس یک شرکت را در ذهن داشتم اما می دانستم این اقدام آینده چندان روشنی ندارد و شاید موفقیت آمیز هم نشود، البته در سال ۱۳۷۹ در زمینه ISP حرکتی را داشتیم که دولت وقت اعلام کرد فعالیت

در انتهای سال ۸۳ بود. در این زمان مرکز رشد هنوز بصورت کامل شکل نگرفته بود و عملیات ساختمانی آن پایان نگرفته بود، لیکن بدلیل اظطرار، ما بعنوان اولین واحد در این مرکز مستقر شدیم. در آن زمان اوضاع بسیار سخت و ناامید کننده بود و از نظر اطرافیان یک شکست بزرگ برای بنده محسوب میگردید. از قضا اتفاقات ناگوار نیز ما را در آن دوران بی نصیب نمی گذاشت و خلاصه اوضاع بسیار آشفته ای داشتیم که در اینجا جا دارد از خانم دکتر مشکوری، ریاست مرکز رشد، بخاطر تمام مساعدت ها و کمکهای بسیار مؤثرشان تشکر ویژه نمایم. در مورد مسائل مدیریت شرکت، با کمک یکی از دوستان که دارای تجربه زیادی بودند، تجارب بسیار

که اشاره شد کامل گردید که نرم افزار «مکاپ» هم اکنون مورد استفاده سازمان مدیریت، دانشکده دندانپزشکی دانشگاه شهید بهشتی، شرکت نفت بهران، شرکت توسعه ریز کامپیوتر و ... است. علاوه بر این جهت مکانیزه کردن خدمات شبکه دانشگاه هم مورد استفاده قرار می گیرد.

■ در مورد مرکز رشد و نحوه تاسیس شرکت توضیحاتی ارائه نمائید و اینکه آیا در ابتدای کار از نحوه مدیریت شرکت، اطلاعاتی داشتید یا خیر؟

آغاز کار مرکز رشد دانشگاه مصادف با خاتمه همکاری بنده در غالب شرکت قبلی با دانشگاه یعنی

■ به عنوان مقدمه مختصری از سوابق کاری و شرکت نرم افزاری امن پرداز ارائه نمائید.

در اواخر سال ۱۳۸۲ دانشگاه به این نتیجه رسید که نیروهای کارمندی برای نگهداری شبکه دانشگاه کفایت نمی کنند، لذا از بنده خواسته شد تا گروهی را برای نگهداری شبکه تشکیل دهیم. این کار با ثبت شرکت «پارس آی تی نت» انجام گردید و تا پایان سال ۸۳ ادامه یافت. در این سال با توجه به تغییر و تحولاتی که از نظر مدیریتی در دانشگاه ایجاد شد بطور کامل از سیستم انفورماتیک دانشگاه جدا شده و با تعدادی از دانشجویان همکاری خود را ادامه داده و اقدام به تاسیس یک شرکت نرم افزاری نمودم. در مدتی که با دانشگاه فعالیت داشتم مقدمات طراحی دو نرم افزار که بعدها به نام مکاپ (میز کار امن پرداز) و سیستم تشخیص نفوذ مروراید سیاه (IDS) مشهور گردید، انجام شد که این نرم افزارها هم اکنون به مرحله بلوغ خود نزدیک شده اند و در سرویسهای مراکز رایانه ای اعم از دولتی و غیر دولتی مورد استفاده قرار می گیرند.

شرکت جدید با نام نرم افزاری امن پرداز به ثبت رسید و از همان آغاز فعالیت در زمینه امنیت اطلاعات در دستور کار ما قرار گرفت. نرم افزارهایی

مناستفانه دولت آنقدر سرگرم انجام فعالیتهای غیر ضروری اجرایی است که به فکر هدایت روابط و قوانین به طرز صحیح و کارشناسی نیست، در حالی که در تمام کشورهای توسعه یافته دنیا، واحدهای کوچک اقتصادی سنگ بنای پیشرفت و توسعه پایدار هستند. مشکل ما این است که امور اجتماعی و اقتصادی را بطور کارشناسی مورد بررسی

قرار نمی دهیم

در زمینه ISP ممنوع است لذا عملاً مجبور شدیم این کار را ادامه ندهیم در حالی که تا مرحله خرید خرید مکان شرکت هم پیش رفته بودیم. در آن شرایط بیشتر به دنبال کسب فرصت بودم و دانشگاه شهید بهشتی برای ما یک فرصت خوب کارآموزی محسوب می شد.

■ تصور کنونی شما از مدیریت یک مجموعه و مسائل پیرامون آن با گذشته چه تفاوتی پیدا کرده است؟

از روزی که کار با کامپیوتر را شروع کردم اعتقاد داشتم و دارم که کسب موفقیت یا با اصطلاح «بیل گیتس شدن» کار مشکلی نیست و فقط به پشتکار افراد بستگی دارد زیرا هوش و درایت لازم در جوانان ایرانی به قدر کافی وجود دارد و صرفاً پشتکار زیاد و دقت نظر بالا لازم است. البته شرایط اقتصادی کشور در این زمینه بسیار تعیین کننده است. به همین دلیل تمایل داشتم شرکت نرم افزاری راه اندازی کنم و هدفم تولید محصولات نرم افزاری بود. آن روزها بر اساس آموزه هایم کسب اعتبار شغلی را بالاتر از پول می دانستم و امروز به این حقیقت رسیده ام که سرمایه اجتماعی هم تراز و حتی ارزشمندتر از سرمایه اقتصادی است. یکی از دلایل موفقیت ما هم توجه به این موضوع می باشد. در گذشته بسیار علاقمند بودم که شرکت تحت فعالیتم متشکل از افرادی باشد که در اوج توانمندی به کار بپردازند و خوشبختانه امروز به این امر دست یافته ام. با این همه اکنون با تمام وجود احساس میکنم که سنگین ترین وظیفه در یک سازمان از هر جهت بر عهده مدیریت است و قلب تپنده و موتور محرک سازمان محسوب میگردد و ما این را در عمل لمس کرده ایم.

■ آیا تا کنون با شرکای خود مشکلی پیدا کرده اید؟

در شرکت قبل بله و در شرکت جدید خیر، از این شراکت کاملاً راضی هستم. زیرا از ابتدا با هم همکاری بودیم و با شناختی کامل و دو سویه واگذاری سهام انجام شد. دوستان ما وارد کار شده و نوع مدیریت را پذیرفتند به همین دلیل به عنوان یک شریک فعالیت نمی کنند بلکه هر کس با نقشی که به او واگذار شده در شرکت حضور دارد. همچنین سیستم براساس یک مدل کاملاً آفقی طراحی شده است. در واقع کسی بر دیگری مزیتی بر حسب مقام ندارد و شرکا با خلوص و صداقت کامل به وظایف خود عمل می کنند. همچنین شریک شما منافعی را در صورتی تامین شده می بیند که کفایت شما را مشاهده نماید. علاوه بر این وجود شریک اجباری است زیرا فقط کار گروهی است که به موفقیت‌های جمعی منتهی شود.

■ وضعیت شما در ابتدای کار از لحاظ اجرای پروژه به چه صورت بود؟

از ابتدا هیچ پروژه ای نداشتیم و از صفر شروع کردیم. همچنین مسائلی برایمان ایجاد نمودند که منجر به تصبیح حقمان گردید. در ضمن در همان شرایط خانوادگی به ما فرزند هم عنایت فرموده بودند

و از لحاظ مالی نیز دچار مشکلاتی شدیم. فکر کردیم که توانمندی بسیار خوبی در مورد شبکه های کامپیوتری با توجه به سوابق، از بحث تحلیل و طراحی تا اجرا و نگهداری داریم، لذا تصمیم گرفتیم برای گرفتن پروژه ای در این زمینه تلاش کنیم تا با درآمد آن از عهده مخارج تولید نرم افزار برایم. تقریباً ۶ ماه کار کردیم و توانستیم اولین پروژه را بگیریم. البته کار را با قیمت پایین پذیرفتیم، جریان مالی که این کارها ایجاد می کرد برایمان مهم تر از سود آنها بود. درآمدها به تدریج با فروش نرم افزارها و حجم کارهای پروژه ای بیشتر شد.

در ابتدای کار ۳ نفر بودیم اما در حال حاضر ۱۸ نفر کارمند ثابت و ۷ الی ۸ نفر کارمند به صورت پاره وقت کار می کنند و گردش مالی شرکت حدوداً یک میلیارد و هشتصد میلیون تومان است.

■ نظر شما راجع به این دیدگاه کارآفرینی یکی از راههای بردن رفت کشور از وضعیت نا به سامان کنونی است چیست؟

بله درست است، اما این مبحث بسیار کلی است. ابتدا لازم است توجه شود که افراد باید یک شغل در شان خود داشته باشند. عبارت دیگر افراد نخبه حتی با دریافت بهترین حقوق هم کاری را انجام نمی دهند که در شان آنها نباشد، باید توجه کرد این مشکل خود یکی از دلایل مهاجرت نخبگان و عقب ماندگی کشور می باشد بنابراین بنده اشتغال زایی کیلویی را قبول ندارم و کاملاً معتقد هستم که این روش به اشتغال پایدار نمی انجامد.

ما اکنون با انبوهی از مسائل اقتصادی و اجتماعی مواجه هستیم که با حضور نخبگان در جای خود، قابل حل است، این افراد می توانند اختراعات و ابداعاتی داشته باشند و با مساعدت آنها به ابزار و وسائل روز جهانی مجهز شویم تا بتوانیم به حل مشکلاتمان بپردازیم. اما متأسفانه دولت آنقدر سرگرم انجام فعالیتهای غیر ضروری اجرایی است که به فکر هدایت روابط و قوانین به طرز صحیح و کارشناسی نیست، در حالی که در تمام کشورهای توسعه یافته دنیا، واحدهای کوچک اقتصادی سنگ بنای پیشرفت و توسعه پایدار هستند. مشکل ما این است که امور اجتماعی و اقتصادی را بطور کارشناسی مورد بررسی قرار نمی دهیم و با استفاده از شرکتهای بزرگ و کم بازده دولتی و مثلاً با یک بخشنامه بالا به پایین قصد رفع یک کاستی یا مشکل علمی را داریم در حالی که هیچ فرصتی

را برای ایجاد واحدهای کوچک با آینده بزرگ در جامعه فراهم نمی کنیم.

■ آیا وجود قوانین در کشور از جمله بیمه، مالیات و ... تاثیراتی در فعالیت شما داشته است؟

بله. برای نمونه باید عنوان کنم هر زمان با یک موسسه دولتی قرارداد می بندیم می دانیم ۲۰٪ این قرارداد کسر است ۱۰٪ حسن انجام کار ۵٪ بیمه ۵٪ مالیات) و پس از گذشت یک سال ۱۰ درصد حق الزحمه کار شما را می پردازند. در حالیکه در این یک سال شرکت علاوه بر اینکه باید حقوق افراد را بپردازد، مخارج دیگری هم دارد. این هزینه ها چگونه تامین می شود؟ مگر یک کار چند درصد سود دارد؟ آیا بنیان اقتصادی شرکتهای کوچک توانایی تحمل این فشارها را دارد؟

مطلب دیگر اینکه ما هزینه زیادی صرف می کنیم و افرادی را از نظر دانش فنی ارتقاء می دهیم، اما هر لحظه که این افراد بخواهند می توانند از حضور و فعالیت در شرکت انصراف دهند و هیچ قانونی هم وجود ندارد که از کارفرما حمایت کند، یعنی قانون وزارت کار در این مورد کاملاً یک طرفه و بر ضرر کارفرماست در حالیکه کارفرما نیز به حمایت نیاز دارد.

در مورد بیمه هم باید بگویم که برای یک کارمند ۳۰٪ بیمه پرداخت می گردد که ۲۳٪ آن را کارفرما می دهد، که این درصد برای شرکتهای نوپا بسیار زیاد است و دولت نیز هر سال حداقل حقوق را افزایش می دهد. این موارد نمونه هایی از مسایلی است که تولید در کشور را غیر اقتصادی می کند.

■ با توجه به موفقیت‌هایی که تا کنون کسب کرده اید، چرا هنوز در مرکز رشد متمرکز هستید و مستقل نشده اید؟

فعالیت در مرکز رشد برای ما چندین حسن دارد، بالاترین امتیاز مرکز رشد دانشگاه این است که استراتژی موفقیت ما بر پایه استفاده از پتانسیل های علمی در دانشگاه مخصوصاً دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر است. با حضور در این مکان در وقت دانشجویی صرفه جویی می شود زیرا دانشجوی در فضای دانشگاه هم به کار و هم به تحصیل می پردازد. اما در بیرون از دانشگاه این امکان وجود ندارد. ضمن اینکه فعالیت در دانشگاه یک جریان علمی و کاملاً بروز برای ما ایجاد کرده است و حتی اساتید نیز با ما همکاری نزدیکی دارند. این مسائل دلایل اصلی ما برای ماندن در دانشگاه است.

البته ارتباط ما با بازار و بازاریابی در این مکان یکی از مشکلات می باشد. ما در این زمینه مشکلاتمان

را بررسی کرده ایم و مکانی خارج از دانشگاه برای برگزاری کنفرانسها در نظر گرفتیم که جزء برنامه های آتی شرکت است.

■ به نظر شما کارآفرین چه خصوصیات باید داشته باشد؟

پشتکار و استقامت اصلی ترین خصیصه کارآفرین است و سرلوحه زندگی او نیز باید امید باشد. کارآفرین ضمن اینکه سطحی نگر نیست، بازار و فرصتهای آن را به خوبی می شناسد. همچنین باید سعی کند مبانی اخلاقی را فدای منفعت های آنی نکند تا همواره فردی مورد اعتماد باشد. او باید توانمندی هایش را از تمام ابعاد اثبات کند و وظایف خود را به نحو احسن انجام دهد. وی بصورت مداوم به اصلاح روشهای خود می پردازد و باید بداند که در حد اعتبار خود کام بردارد. در غیر اینصورت متضرر خواهد شد.

■ تا به حال با مشکلات مالی مواجه بوده اید؟ چگونه مشکلات را برطرف کرده اید؟

بله سعی کردیم آنقدر اعتبار بدست بیاوریم که اگر نیاز به کمک داشته باشیم از اعتبارمان کمک بگیریم.

■ چه میزان خود را خلاق می دانید؟

سعی می کنیم همیشه یک محصول جدید به بازار ارائه دهیم و این امر را تبدیل به یک سیستم کرده ایم. نباید تصور شود متدها و روشهای موجود در دنیا وحی منزل هستند، بلکه باید همیشه به دنبال روشهای جدید نیز باشیم، در تمام لحظه ها مترصد جذب افراد باهوش هستیم و سعی می کنیم فرصتهای بازرگانی را به هیچ وجه از دست ندهیم. همچنین خلاقیت را پایه اصلی برای پیشرفت می دانیم.

■ و به عنوان سؤال آخر چه توصیه ای برای کارآفرینان جوان دارید؟

اساس موفقیت انسانها نوع نگرش آنها به زندگی است. همیشه نگاه به نیمه پر لیوان است که انسان را به سمت موفقیت هدایت می کند. کار در فرهنگ ایرانی و امروزه در کل جهان دارای جایگاه بسیار بالایی می باشد. در جامعه امروز ما متأسفانه فرصت کار زیاد و مرد عمل کم است. اکثر افراد تحصیل کرده به دنبال میز و سمت هستند نه دنبال کار به معنای واقعی کلمه.

البته اینجانب از کلاس دوم ابتدایی همزمان با تحصیل وارد کار شدم و به همراه پدر عزیزم به شغل شیشه بری مشغول بودم. هم اکنون نیز اگر مجبور باشم دنبال این فعالیت می روم. اصل دوم پشتکار است. البته باید سعی کنیم به روز بوده و در مسائل علمی تعصب بیجا بر روی یک عقیده نداشته باشیم زیرا شرایط و دانسته های بشر در تغییرند. نکته مهم دیگر اینکه باید در سایر شئون زندگی بعنوان یک فرد موفق زندگی کرد، به توانایی خود اعتماد داشت و برای خود معیار و اندازه ای تعیین نمود.

در پایان لازم میدانم مجدداً از سرکار خانم دکتر مشکوری - ریاست مرکز رشد دانشگاه شهید بهشتی - به دلیل تمام مساعدت ها و همکاری های دلسوزانه کمال تشکر را به عمل آورم.